

موجبات وضو عند فریقین

□ کاظم صالحی *

چکیده

در این مقاله موجبات وضو نزد فریقین مورد بحث قرار گرفته است، و نواقض به معنای فاسد شدن چیزی است که به سامان رسیده است و به آن، حدث‌هایی که وضو را باطل کرده و موجب آن می‌شوند، نواقض می‌گویند. وضو، به معنی "پاکیزگی" است و در فقه به معنای شستن صورت و دست و مسح سر و پاها می‌باشد طبق دستوری شارع مقدس. وضو، عملی برای رسیدن به طهارت معنوی و مقدمه برای برخی عبادات؛ مانند نماز است. گرچه فریقین؛ شیعه و سنی، در اصل وجوب آن و مواضعی که باید شسته شود، نظرات مشترک دارند، لیکن در فرایض، نواقض و... همچنین در شیوه و روش انجام و محدوده اعضای وضو و چگونگی مسح و نواقض وضو اختلاف آراء و نظریات وجود دارد. این مقاله بر آن است که نواقض وضو در نزد فریقین را از جهت فقهی بررسی کرده و موارد اختلاف و اشتراک فریقین را مستدلّ بیان کند. در سیر بحث حاضر، دیدگاه فریقین، همراه با ادله، بدون هیچگونه داوری بیان گردیده است، تا اهل نظر و انصاف با مطالعه آن، به داوری بنشینند و نظر صحیح را برگزینند. و نواقضی را که فقهای اسلامی برای وضو ذکر کرده اند عبارتند از: بول، غائط، باد، مذي، زوال عقل، منی، لمس نزدشافعیه، قی نمودن نزد حنابله، خون و خون آبه، قهقهه، لحم جزور و خون استحاضه که موارد فوق نزد فریقین از موانع وضو است.

کلیدواژه‌ها: وضو، اسباب، نواقض، فریقین.

مقدمه

وضو، فعل و عملی است برای رسیدن به طهارت معنوی که مسلمانان برای انجام عبادات شان با آن سروکار دارند و مقدمه است برای صحت برخی عبادات مانند نماز، طواف خانه ی خدا در کعبه و... یکی از شرایط صحت برخی عبادات با وضوء بودن است و با توجه به کاربرد روزانه آن، بین مذاهب مختلف اسلامی در نحوه وضوء، شرایط و موجبات آن اختلاف نظر وجود دارد یکی از موارد که خیلی محل بحث است و اختلاف نظر در باره آن وجود دارد بحث از موجبات و نواقض وضوء می باشد گرچه در موضوع اسباب وضوء، بحث شده اجمالا و موردی، با توجه به اهمیت داشتن این مسأله، تمام نواقض وضوء عندالفریقین به صورت مستقل و جامع بحث نشده است در این تحقیق سعی شده است به این بحث مهم در دیدگاه فریقین پرداخته شود. قبل از ورود به اصل بحث خوب است واژه های نواقض و وضوء که مربوط به بحث می شود مورد بررسی قرار گیرد.

مفهوم شناسی

۱- نواقض

الف) در لغت:

نواقض جمع ناقض و از ماده «نقض» به معنای فاسد شدن و از بین رفتن چیزی است که به سامان رسیده است. (جواهری اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، ماده نقض). بر همین اساس «ناقض» به معنای مبطل و مفسد است که هرگاه بر چیزی عارض شود، آن را فاسد کرده و از بین می برد. (طریفی، عبدالعزیز بن مرزوق، الاعلام بتوضیح نواقض الاسلام، ص ۲).

ب) در اصطلاح: درباره نواقض دو عنوان داریم: نواقض وضوء و نواقض اسلام

۱-ب) نواقض وضوء در اصطلاح فقها

نواقض وضوء در اصطلاح فقها عبارت است از: حدث هایی که وضو را باطل کرده و موجب وضو

می شوند، نواقض وضو چند چیز است: اول و دوم: بیرون آمدن بول و آنچه در حکم آن است مانند رطوبت مشتبهی که قبل از استبراء بیرون می آید و بیرون آمدن غائط از مخرج طبیعی یا از غیر آن، چه مخرج طبیعی مسدود باشد چه نباشد، غائط زیاد باشد یا کم، اگرچه همراه کرم یا مثلاً هسته ای خارج شود. سوم: بیرون آمدن باد از دُبر اگر از معده یا روده ها باشد چه صدا و بو داشته باشد، چه نداشته باشد، ولی بادی که از قُبُل زن خارج می شود و بادی که از معده و یا روده ها نباشد (هرچند از دبر خارج شود) مثل این که بادی از بیرون داخل شده سپس خارج گردد، وضو را باطل نمی کند. چهارم: خوابی که بر حس بینایی و شنوایی چیره شود. پنجم: هر چیزی که عقل را از بین ببرد مانند دیوانگی، بیهوشی، مستی و مانند این ها. ششم: استحاضهٔ قلیله و متوسطه، بلکه بنابر احتیاط (واجب) استحاضهٔ کثیره نیز موجب وضو می شود، هرچند استحاضهٔ کثیره و متوسطه موجب غسل هم می باشد. (امام خمینی (ره)، ترجمه تحریر الوسيله ج. ۱، ص ۳۷)

۲- ب) نواقض اسلام

یک اصطلاح به عنوان اصطلاح "نواقض اسلام" داریم، به معنای اموری است که ارتکاب آنها شخص مسلمان را از دایره اسلام خارج ساخته و وی را کافر می سازد، به همین جهت به آن شخص مرتد گفته می شود و جایگاه شان جهنم خواهد بود. (علوان، ناصر بن عبدالله، التبیان شرح نواقض الاسلام، ص ۲، راجحی، عبدالعزیز، أجوبه عدیده عن أسئلة مفیده، ص ۱۱).

لذا بین فقهای فریقین نیز در این مورد بحث نمودند.

حنفی ها می گویند: ارتداد سبب نقض وضو نمی شود گرچه ارتداد بسیاری از اعمال دینی را حبط و نابوط می کند و اسلام تصرفات مالی و مانند آن را از او می گیرد. شافعیه ها: نیز می گویند ارتداد سبب نقض وضو نمی شود، و امامیه نیز قایل است به اینکه ارتداد گرچه سبب خروج انسان از اسلام می شود اما از نواقض وضو محسوب نمی شود بنابراین اگر شخصی از روی غضب کلامی کفر آمیزی را بگوید، سبب خروج او از اسلام نمی شود. الحنفیة- قالوا: إن الوضوء لا ینتقض بالردة، و إن كانت الردة محبطة لكثیر من الأعمال الدینیة، و التصرفات المالیة، و نحو ذلك. الشافعیة- قالوا: الردة لا تنتقض الوضوء إذا ارتد. اهل البيت: الردة لیست من النواقض رغم أنها توجب الخروج من الإسلام،

الردة هي خروج عن الإسلام مع سابق تعمد و تصميم و عليه لا يخرج الكلام حال الغضب الشديد عن الإسلام لأنه مسلوب القصد و التصميم. (الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام؛ ج ۱، ص: ۱۶۵).

۲- وضوء

الف) در لغت: وضوء در لغت به معنی "نظافت و پاکیزگی" است و از این رو عرب ها به شخص نظیف و پاکیزه می گویند: «وضی ء» (ریشه لغوی وضوء از کلمه «وضا» گرفته شده است).

ب) در اصطلاح) وضوء در اصطلاح فقهی به معنای شستن صورت و دست (غسلتان) و مسح سر و پاها (مسحتان) طبق دستوری که شارع مقدس اسلام فرموده است می باشد و در روایات نیز یکی از فلسفه و علت وضوء، نظافت و پاکیزگی ایبان شده است، لذا به آن «وضوء» گفته اند. (مبلغان: اردبیهشت ۱۳۸۰، شماره ۱۶)

موجبات و نواقض وضوء

بول و غائط و باد

«وهي : خروج البول والغائط والريح من الموضع الطبيعي المعتاد خروجه منه لعامة الناس وإن لم يحصل الاعتیاد بالإجماع.» (المعتبر، ج ۱، ص ۱۰۶).

خروج بول و مدفوع و صادر شدن باد از موضوع طبیعی عادتاً برای عموم مردم ولو این که خارج از موضوع طبیعی باشد به اجماع وضوءاً باطل می کند.

«أجمع المسلمون كافة على أنّ خروج البول والغائط من السيلين والريح من الموضع المعتاد ، ينقض الوضوء . أمّا خروج الدود والحصى والدم والقيح ، فينقض الوضوء عند الشافعية والحنفية والحنابلة ، ولا ينقضه عند المالكية إذا كانت هذه الأشياء متولدة في المعدة ، وإذا لم تتولد فيها - كمن بلغ حصة فخرجت من الموضع المعتاد - كانت ناقضة . وقال الإمامية : لا تنقض الوضوء إلا إذا خرجت متلطخة بالعدرة.» (مغنيه، محمد جواد، الفقه على المذاهب الخمسة، ج ۱، ص ۳۳)

اجماع نمودن مسلمین به اینکه خروج بول و غائط از مجرای طبیعی و صادر شدن باد از موضوع

عادى وضوء را باطل مى کند. (علي بن محمد القمي، ص ۱۲)

اما خارج شدن کرم و شن و خون و خون آبه در نزد شافعيه و حنابله وضوء را باطل مى کند. (محمد بن إدريس الشافعي أبو عبد الله، ج ۱، ص ۱۲؛ العلامة أبو الحسن الماوردي، ج ۱، ص ۳۰۷؛ للإمام ابي زكريا محي الدين بن شرف النووي، ج ۲، ص ۲) و حنفيه (الشيخ نظام وجماعة، ۱۱هـ، ج ۱ ص ۹) (عبد الرحمن بن إبراهيم بن أحمد، ۱۴۲۶هـ، ج ۱، ص ۳۵؛ شرف الدين موسى بن أحمد بن موسى أبو النجا الحجاوي، ج ۱، ص ۳۶)

مالکيه تفصيل قايل شده اند به اينکه اگر در معده توليد شده باشد باطل نمى کند اما اگر از خارج بلعيد شده باشد باطل مى کند؛ المالکيه- قالوا: لا ينتقض الوضوء إلا بالخارج المعتاد من المخرج المعتاد، بشرط أن يكون خروجه من المخرج المعتاد في حال الصحة، فالحصى، و الدود، و الدم، و القيح، و الصديد الخارجة من أحد السبيلين لا تنقض الوضوء. بشرط أن يكون الحصى، أو الدود متولدا في المعدة. أما إذا لم يكن متولدا في المعدة. كأن ابتلع حصاة. أو دودة، فخرجت من المخرج المعتاد كانت ناقضة: لأنها تكون غير معتادة حينئذ. (الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام؛ ج ۱، ص: ۱۵۸، وأبو عمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر النمري القرطبي، ج ۱، ص ۲۴۲؛ محمد العربي القروي، ج ۱، ص ۱۱).

اماميه مى گويد وقتى وضوء را باطل مى کند که آغشته به مدفوع باشد در غير اين صورت وضوء را باطل نمى کند، أهل البيت (ع): خروج الحصى و الدود و الدم و الصديد و القيح مثلا لا تنقض الوضوء إلا إذا رافقتها شيء من البول أو الغائط. (الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام؛ ج ۱، ص: ۱۵۷، العلامة الحلي، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۹۹، علي بن محمد القمي، ص ۱۲)

مذى و ودى

يکى از مسائلى که در بحث نواقض وضوء ميان فقهاى فریقين جاى بحث دارد، مسأله مذى و ودى است و اين مسأله بين فریقين اختلافى است.

مذى و ودى در نزد مذاهب چهار گانه اهل سنت وضوء را باطل مى کند و مالکيه موردى را استثنا نموده و آن اينکه اگر شخصى عادت شان بر اين که مذى استفاده داشته و قطع نشود در اين صورت نزد آن

ها موجب بطلان وضوء نمی شود. ینقضان الوضوء عند الأربعة ، واستثنى المالکة من كانت عادتہ استدامة المذی ، فإنه لا یوجب الوضوء عندهم ، ولا ینقضانه عند الإمامیة ، (مغنیه، محمد جواد، ج ۱، ص ۳۴، أبو عمر یوسف بن عبد الله بن عبد البر النمري القرطبي، ج ۱، ص ۲۴۳؛ محمد العربی القروی، ج ۱، ص ۱۲).

اما مذهب امامیه قائل است مذی ووذی نجس نیست وموجب نقض وضوء وطهارت نمی شود؛ زیرا راویات زیادی در این باب داریم ودلالت دارد براینکه مذی ووذی ناقض وضوء نمی باشد؛ لیساً بنجسین و لا ینقضوا الوضوء و الطهارة للروایات الكثيرة الدالة على عدم ناقضية المذی و الودی للوضوء.

منها: (عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن سال من ذكرك شيء من مذی أو ودي و أنت فی الصلاة فلا تغسله و لا تقطع له الصلاة و لا تنقض له الوضوء و إن بلغ عقیبك فإن ذلك بمثابة النخامة). یکی از آن روایات این است از امام صادق (علیه السلام) که حضرت فرمود: اگر از آلت ذکوریت تو آبی از نوع مذی ووذی بیاید و تو در حال نماز باشی، غسل نکن و نماز را قطع نکن و به سبب آن وضوء را نقض نکن گرچه آن زیاد باشد، زیرا آن مانند آب دماغ، دهان و سینه می باشد.

عن زید الشام قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام المذی ینقض الوضوء؟ قال لا و لا یغسل منه الثوب و لا الجسد إنما هو بمنزلة البزاق و المخاط) «(۹۳)». (الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۹ هـ، ج ۱، ص ۱۵۷، ابن العلامة، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۰). (العلامة الحلي، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۹۹) (علي بن محمد القمي، ص ۱۲).

روایت دوم از زید بن شمام نقل شده که می گوید به امام صادق (علیه السلام) گفتم که مذی وضوء را نقض می کند؟ حضرت فرمود: نه، از ناحیه آن لباس خود را نشور و همجنین بدن خود را، زیرا آن به منزله آب دهن و آب بینی و خلط سینه می باشد. (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۹۶).

زوال عقل

زوال عقل در باب نواقض وضوء یکی از مسائلی است که میان فقها از آن به طور مفصل بحث شده است.

إذا غاب العقل بسكر أو جنون أو إغماء أو صرع ، ينتقض الوضوء باتفاق الجميع ، أما النوم فقال الإمامية : ينتقض الوضوء إذا غلب على القلب والسمع والبصر ، بحيث لا يسمع النائم كلام الحاضرين ولا يفهمه ولا يرى أحداً منهم ، من غير فرق بين أن يكون النائم مستلقياً أو قائماً أو قاعداً ، وقريب منه قول الحنابلة . وقال الحنفية : إذا نام المتوضئ مضطجعاً أو متكئاً على أحد وركبه ينتقض الوضوء ، وإذا نام قاعداً متمكناً أو واقفاً أو راكعاً أو ساجداً فلا ينتقض ، فمن نام في صلاته على حالة من حالات المصلين لا ينتقض وضوؤه وإن طال نومه . (ميزان الشعراني ، مبحث أسباب الحدث) (مغنيه، محمد جواد، ج ۱، ص ۳۳)

اگر عقل انسان زایل شود حال با مستی یا جنون یا اغماء یا صرع در هر صورت به اتفاق همه مذاهب وضوء را باطل می کند .

اما نسبت به مسأله نوم امامیه قائل است که اگر خواب بر قلب و گوش و چشم باهم غلبه یابد وضوء باطل می شود این غلبه باید به گونه ای باشد که انسان خواب کلام حاضرین را نشنود و نه فهمد و هیچ کدام از حاضرین را نبیند در این صورت وضوء باطل می شود. فرقی ندارد انسان خواب دراز کشیده باشد ایستاده باشد یا نشسته. (ابن العلامة، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۰).

حنابله هم نزدیک به این دیدگاه را دارد. (عبد الرحمن بن ابراهیم بن أحمد ، ۱۴۲۶هـ، ج ۱، ص ۳۵). (شرف الدین موسی بن أحمد بن موسی أبو النجا الحجاوی، ج ۱، ص ۳۶)

اما حنفیه می گوید: اگر انسان با وضوء بخوابد دراز بکشد یا تکیه بدهد بر یکی از دو ران خود وضویش باطل می شود. ام اگر خواب او در حالت نشسته و پایدار باشد یا اینکه در حال ایستاده یا در حال رکوع یا سجده در این صورت وضوء باطل نمی شود پس اگر کسی در حالت از حالات نماز گزاران بخوابد وضویش باطل نمی شود هرچند که خواب او طولانی شود. (الشیخ نظام وجماعة من علماء الهند ، ۱۴۱۱هـ، ج ۱ ص ۱۰؛ أبي الحسن علي بن أبي بكر بن عبد الجليل الرشداني المرغيباني، ج ۱، ص ۱۴)

وقال الشافعية : إذا كان محل الخروج متمكناً من مقعده - بحيث يكون أشبه بفم الزجاجة المسدودة - فلا ينتقض الوضوء بالنوم ، وإلا انتقض . وفصل المالكية بين النوم الخفيف وبين النوم الثقيل ، فإن كان النوم خفيفاً لا ينتقض الوضوء ، وكذا إذا نام المتوضئ نوماً ثقیلاً مدة يسيرة ، وكان

المخرج مسدوداً، أما إذا نام نوماً ثقیلاً مدة طویلة فینتقض وضوءه، سواء أكان المخرج مسدوداً أم غیر مسدود. (مغنیه، محمد جواد، ج ۱، ص ۳۵)

اما شافعیه می گوید اگر محل تکیه مقعد باشد بگونه این مثل درب بطری بسته باشد باشد در این صورت خواب وضوء را باطل نمی کند و گرنه وضوء باطل می شود. (محمد بن إدريس الشافعي أبو عبد الله، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۲؛ العلامة أبو الحسن الماوردي، ج ۱، ص ۳۰۷؛ امام ابی زکریا محی الدین بن شرف النووی، ج ۲، ص ۲)

و مالکیه تفصیل داده اند اگر خواب خفیف و سبک باشد وضوء را باطل نمی کند اما اگر خواب سنگین باشد وضوء را باطل می کند همچنین اگر خواب سنگین باشد اما مدت زمان آن کم باشد باز وضوء باطل نمی شود اگر مخرج مسدود باشد اما اگر خواب ثقیل باشد مدت زمان طولانی وضوء باطل می شود فرقی ندارد که مخرج مسدود باشد یا خیر. (أبو عمر یوسف بن عبد الله بن عبد البر النمري القرطبي، ج ۱، ص ۲۴۳؛ محمد العربی القروی، ج ۱، ص ۱۲).

منی

یکی از نواقض وضوء منی است که میان فقها جای بحث دارد که آیا نزد همه سبب نقض وضوء می شود؟ و یا اینکه مسأله اختلافی است.

ینقض الوضوء عند الحنفية والمالكية والحنابلة، ولا ینقضه عند الشافعية. وقال الشيعة: المنی یوجب الغسل دون الوضوء. (مغنیه، محمد جواد، ج ۱، ص ۳۶)

خروج منی در نزد حنفیه، مالکیه و حنابله وضوء را باطل می کند اما شافعیه می گوید: منی سبب غسل می شود ولی وضوء را باطل نمی کند. (أبو عمر یوسف بن عبد الله بن عبد البر النمري القرطبي، ج ۱، ص ۲۴۳؛ محمد العربی القروی، ج ۱، ص ۱۲).

امامیه خروج منی از انسان را موجب نقض وضوء و غسل می داند فرق نمی کند خروج منی همراه بالذت باشد و یا بدون آن؛ أهل البيت (ع): المنی ینقض الوضوء و یوجب الغسل و لا فرق بین أن ترافقه لذة أم لا. (الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام؛ ج ۱، ص: ۱۵۷، لعلامة الحلبي، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۹۹).

لمس زن اجنبیه

یکی از مباحثی که در این میان فقها جایی بحث دارد مسأله لمس زن اجنبیه است. قال الشافعیة: إذا لمس المتوضئ امرأة أجنبية بدون حائل انتقض الوضوء، وإذا لم تكن المرأة أجنبية - كما لو كانت أمّاً أو أختاً - فلا. وقال الحنفية: لا ينتقض الوضوء إلا باللمس وانتشار القضيب معاً. (مغنیه، ج ۱، ص ۳۷)

طبق نظر شافعیه اگر مردی با وضوء باشد و زن اجنبی را بدون اینکه حائلی باشد لمس نماید وضویش باطل می شود. اما اگر اجنبی نباشد مثلاً مادر یا خواهر باشد وضوء را باطل نمی کند. اما حنفیه می گوید اگر لمس همراه با تحریک آلت باشد وضوء را باطل می کند. (الشیخ نظام وجماعة من علماء الهند، ۱۴۱۱هـ، ج ۱ ص ۱۰)

وقال الإمامية: لا أثر للمس مطلقاً. هذا بالنسبة إلى لمس المرأة، أما إذا مس المتوضئ قبله أو دبره بلا حائل، فقال الإمامية والحنفية: لا ينتقض الوضوء. وقال الشافعية والحنابلة: ينتقض بالمس مطلقاً، وكيفما حصل بباطن الكف أو بظاهره. أما المالكية فقد روي عنهم الفرق بين المس بباطن الكف فينتقض، وبين المس بظاهره فلا ينتقض، (البداية والنهاية لابن رشد، مبحث نواقض الوضوء). (مغنیه، محمد جواد، ج ۱، ص ۳۷)

امامیه می گویند: لمس زن اجنبیه مطلقاً باطل کننده وضو نیست. البته این قول نسبت به لمس زن اجنبیه است. اما در صورتی که انسان متوضاً باهمان حال قبل و دبر خودش را لمس نماید، امامیه وحنفی ها می گویند: وضو باطل نمی شود.

شافعیه وحنبله می گویند: لمس به طور مطلق موجب نقض وضوء می باشد فرقی ندارد با کف دست باشد یا پشت دست.

اما مالکیه فرق قایل شده اند به اینکه: مس زن اجنبیه اگر با باطن و کف دست باشد وضو باطل می شود ولی اگر مس زن اجنبیه با پشت دست باشد وضو باطل نمی شود. (محمد بن إدريس الشافعي أبو عبد الله، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۲؛ العلامة أبو الحسن الماوردي، ج ۱، ص ۳۰۷؛ امام ابی زکریا محي الدين بن شرف النووي، ج ۲، ص ۲) (عبد الرحمن بن إبراهيم بن أحمد، ۱۴۲۶هـ، ج ۱، ص ۳۵؛ شرف الدين موسى بن أحمد بن موسى أبو النجا الحجاوي، ج ۱، ص ۳۶، أبو عمر يوسف بن

عبد الله بن عبد البر النمري القرطبي، ج ۱، ص ۲۴۳؛ محمد العربي القروي، ج ۱، ص ۱۲).
ودر مسأله لمس زن اجنبیه، امامیه قایل است به اینکه، لمس زن اجنبی به هیچ عنوان موجب قض
وضوء نمی شود. لمس و مس که در آن کریم وارد شده و این جمله از آیه مبارکه "أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ"
تعبیری است کنایه ای که منظور از آن عمل جماع است، و ملامست حقیقی بانوع تصریح آن سازگاری
ندارد، و به منظور رعایت ادب جماع را لمس زنان خوانده، تا به زبان تصریح بنام عملی که طبع بشر از
تصریح بنام آن عمل امتناع دارد نکرده باشد.

در اینجا ممکن است پرسیده شود در صورتی که غرض از این تعبیر رعایت ادب بوده باشد، چرا
تعبیر به جنابت نکرد، و همانطور که قبلاً فرموده بود: "وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا" اینجا چنین تعبیری نکرد، با اینکه
این تعبیر مؤدبانه تر بود؟.

در پاسخ می گوئیم بله تعبیری که گفتید مؤدبانه تر است، و لیکن اگر آن تعبیر را می آورد نکته ای که
در نظر بوده فوت می شده، و آن نکته عبارت بود از اینکه به شنونده بفهماند مساله تماس با زنان و عمل
جنسی عملی است که طبیعت بشر اقتضای آن را دارد، و تعبیر به جنابت به این نکته اشاره ندارد؛ زیرا
جنابت چند قسم است که یکی از آنها به وسیله عمل جنسی حاصل می شود، قسم دیگرش
جنابت هایی است که یا خود به خود رخ می دهد، و یا به وسیله عواملی دیگر.

و نیز از این سؤال و جواب روشن شد که بعضی پنداشته اند که مراد از جمله: "أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ"
ملامست حقیقی است نه کنایه از عمل جنسی است. (تفسیر روح المعانی ج ۵ ص ۳۸ و تفسیر
المنارج ۵ ص ۱۱۹).

برداشت یاد شده از آیه مبارکه نادرست است و وجه نادرستی آن این است که زمینه و سیاق آیه با
این وجه نمی سازد، و تنها با کنایه بودن آن سازگار است، برای اینکه خدای سبحان این گفتار را با بیان
حکم حدث اصغر که همان گرفتن وضو است و حکم حدث اکبر یعنی وجوب غسل کردن در حال
عادی آغاز کرد، و آن حال دستیابی به آب است، و آن گاه از این گفتار منتقل شد به بیان حکم این دو
حدث در حال غیر عادی، یعنی حال دسترسی نداشتن به آب، در این بیان بدل وضو را که همان تیمم
باشد بیان کرد، باقی ماند بیان بدل غسل، در بیان آن بجای آن و مناسب تر به طبع این است که بدل غسل را
هم بیان کند، و آن را بدون بیان نگذارد، ناگزیر عبارتی آورد که ممکن باشد بر سبیل کنایه منطبق بر آن

بیان شود و قهراً هر شنونده‌ای می‌فهمد که غرض از جمله: "أَوْ لَمْسْتُمُ النِّسَاءَ..." بیان بدل غسل است، پس هیچ وجهی برای پندار این شخص نیست، و صحیح نیست بگوئیم منظور از این جمله تنها بیان بدل وضو است، با اینکه وضویکی از دو لنگه طهارت است بدل آن را بیان کرده، و بدل لنگه دیگر را مهمل گذاشته و اصلاً متعرض آن نشده است. (الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام؛ ج ۱، ص: ۱۶۲ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ۳۷۰)

از آنجا که بنا بر اختصار است فقط یک روایت را ذکر می‌کنم. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن قول الله عز وجل أَوْ لَمْسْتُمُ النِّسَاءَ قال هو الجماع ولكن الله سَتَّير يحب الستر فلم يسَم كما تسمون؛ یعنی در کافی به سند خود از حلبی از امام صادق (ع) روایت کرده که گفت از آن جناب از کلام خدای عز و جل پرسیدم که فرموده: "أَوْ لَمْسْتُمُ النِّسَاءَ" حضرت فرمود منظور جماع است، و لیکن خدای تعالی از آنجا که پرده‌پوش است دوست می‌دارد سر بسته سخن گوید، و لذا عمل نامبرده را به آن صراحت که شما تعبیر می‌کنید نکرده. (فروع کافی ج ۵ ص ۵۵۵ ح ۵).
بنابراین منظور از از قول خول خداوند متعال که فرمود: "أَوْ لَمْسْتُمُ النِّسَاءَ" جماع است که موجب نقض وضو می‌شود نه آن مسی که علما اهل سنت برداشت کرده اند.

قیء نمودن

در اینکه آیا قیء نمودن سبب نقض وضوء می‌شود یا نه؟ میان فقها فریقین بحث است.
ینقض الوضوء عند الحنابلة مطلقاً، وعند الحنفية إن ملأ الفم، ولا ینقضه عند الشافعية والإمامية والمالكية.

نزد حنابله استفراغ یا قیء نمودن وضوء را باطل می‌کند مطلقاً، حنفی‌ها قائلند به اینکه اگر بواسطه قیء نمودن دهن انسان پر شود وضو باطل می‌شود، اما شافعیه و امامیه و مالکیه قیء نمودن را موجب بطلان وضوء نمی‌دانند فرقی ندارد که دهن را پر کند یا نه. (مغنیه، محمد جواد، ج ۱، ص ۳۵، عبد الرحمن بن ابراهیم بن أحمد، العدة شرح العمدة، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۵؛ شرف الدین موسی بن أحمد بن موسی أبو النجا الحجاوی، ج ۱، ص ۳۶، النعمان الشیخ نظام و جماعة من علماء الهند، ۱۴۱۱ق، ج ۱ ص ۱۰، علی بن محمد القمی، ص ۱۲، محمد بن إدريس الشافعي أبو عبد الله، الأم،

۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۲؛ العلامة أبو الحسن الماوردی، ص ۳۰۷، امام ابی زکریا محی الدین بن شرف النووی، ج ۲، ص ۲).

امامیه: ذکرنا نواقض الوضوء و بینا أن ما یرخرج من بدن الإنسان من القيء و القيح أو الدم ليس منها. (الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام؛ ج ۱، ص: ۱۶۴).

امامیه می گوید: در بحث نواقض وضوء ذکر کرده و بیان شد آنچه که از بدن انسان خارج می شود مانند قیح، قیء و خون از نواقض وضوء نیست

در این مورد روایتی از حسین بن ابی علاء نقل شده است که گفت ازا امام صادق (علیه السلام) درباره مردی که بعد از غذا آروغ می زند وقتی می کند سپس شیئی از دهن او خارج می شود، آیا این عمل سبب نقض وضوء او می شود؟ حضرت در جواب فرمود: نه. "عن الحسين بن أبي العلاء قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يتجشأ (القلس) فيخرج منه شيء أ يعيد الوضوء: قال: لا" حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۸۴).

روایتی دیگری نیز در این باب وارد شده است و در این روایت راوی می گوید: از ابوالحسن امام موسی کاظم (علیه السلام) سؤال کردم که آیا خون بینی، خون حجامت وقتی سبب نقض وضوء می شود؟ امام در جواب می فرماید: هیچ یک از این موارد سبب نقض و بطلان وضوء نمی شود.

قال سألت أبا الحسن عليه السلام عن الرعاف و الحجامة و القيء قال لا ينقض هذا شيئا من الوضوء. (همان، ج ۱، ۱۸۶).

بنابراین باتوجه به روایات که نقل شد قیء و خون که از بدن انسان خارج می شود موجب بطلان وضوء نمی شود.

خون و خون آبه

میان فقها بحث است در اینکه خون و خون آبه که از غیر مسیر بول و غائط خارج می شود سبب نقض می شود؟

الخارج من البدن غير السبيلين - كالدّم والقيح - لا ينقض الوضوء عند الإمامية والشافعية والمالكية ، وينقضه عند الحنفية إذا تجاوز محل خروجه ، وقال الحنابلة : ينتقض الوضوء بشرط أن يكون الدم

والقیح کثیراً. (مغنیه، محمد جواد، ج ۱، ص ۳۶)

امامیه و شافعیه و مالکیه قائل اند به اینکه آنچه از بدن انسان خارج می شود غیر از مسیر بول و غائط مثل خون و خون آبه، سبب نقض وضوء نشده و آن را باطل نمی کند. (أبو عمر یوسف بن عبد الله بن عبد البر النمري القرطبي، ج ۱، ص ۲۴۳؛ محمد العربی القروی، ج ۱، ص ۱۲).

اما طبق نظر حنفیه اگر خون و خون آبه از محل خروج تجاوز کرد موجب بطلان وضوء می باشد و گرنه موجب بطلان وضوء نیست. (الشیخ نظام و جماعه من علماء الهند، ۱۴۱۱هـ.ق، ج ۱ ص ۱۱)

اما حنابله می گوید اگر خون و خون آبه زیاد باشد موجب نقض وضوء می باشد و گرنه وضوء را باطل نمی کند. (عبد الرحمن بن ابراهیم بن أحمد، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۵؛ شرف الدین موسی بن أحمد بن موسی أبو النجا الحجاوی، ج ۱، ص ۳۶)

بنابراین از نظر امامیه خون و خون آبه که از غیر مجاری ادرار و دبر از بدن انسان خارج می شود موجب نقض وضوء نمی شود.

قهقهه

قهقهه یعنی خنده با صد درنزد همه ی فقهای مذاهب خمس از نواقض وضوء می باشد. اما در میان فقهای مذاهب پنجگانه بحث است در اینکه آیا سبب نقض وضوء نیز می شود؟ تبطل الصلاة یا جماع المسلمین كافة، ولا تنقض الوضوء في داخل الصلاة ولا خارجها إلا عند الحنفية، حيث قالوا بنقض الوضوء إذا حصلت القهقهة أثناء الصلاة، ولا تنقضه إذا حصلت خارجها. (مغنیه، محمد جواد، ج ۱، ص ۳۳)

یکی از مبطلات نماز قهقهه، یعنی خنده با صدا است و اینکه قهقهه نماز را باطل می کند اجماعی است بین همه مسلمین و طبق دیدگاه همه مذاهب بجز حنفیه قهقهه وضوء را باطل نمی کند چه قهقهه در اثناء نماز باشد و چه در خارج از آن. اما حنفی ها قایل به تفصیل شده به اینکه اگر قهقهه در اثناء نماز باشد وضوء را باطل می کند اما اگر در خارج نماز رخ بدهد وضوء را باطل نمی کند.

لحم جزور

در اینکه آیا خوردن لحم جزور (شتر) سبب بطلان وضو می شود یا نه میان فقهای اسلامی بعضاً اختلاف نظر وجود دارد. همه مذاهب اسلامی به جز حنابله خوردن گوشت جزور (شتر که چهارده ماه شان را تمام کرده) بچه شتر را موجب نقض وضوء نمی داند اما فقط حنابله می گویند: اگر انسان با وضوء باشد باهمان حال گوشت بچه شتر بخورد وضویش باطل می شود. و لا ینتقض الوضوء بالتهقه فی الصلاة، و لا بأکل لحم جزور - جمل أو قعود - إذا أكل المتوضئ لحم جزور ینتقض وضوءه عند الحنابلة فقط . (مغنیه، محمد جواد، ج ۱، ص ۳۶). (الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت علیهم السلام؛ ج ۱، ص: ۱۶۵، العدة شرح العمدة [وهو شرح لكتاب عمدة الفقه، لموفق الدین بن قدامة المقدسی]، دار الکتب العلمیة، الطبعة الثانیة، ۱۴۲۶هـ، ج ۱، ص ۳۵؛ شرف الدین موسی بن أحمد بن موسی أبو النجا الحجاوی، ج ۱، ص ۳۶)

خون استحاضة

یکی از مسائلی که در باب نواقض وضو، میان فقهای اسلامی اختلاف نظر وجود دارد، مسأله خون استحاضه است. وقال مالك ليس على المستحاضة وضوء، قال العلامة الحلبي في كتاب التذكرة - وهو من كبار فقهاء الإمامية - : دم الاستحاضة إذا كان قليلاً يجب به الوضوء، ذهب إليه علماؤنا، إلا ابن أبي عقيل . (مغنیه، ج ۱، ص ۳۶)

مالکیه قائل است که زن مستحاضه لازم نیست وضوء بگیرد یعنی به عبارت دیگر وضویش باطل نمی شود.

امامیه : در رابطه با خون استحاضه علامه حلّی که از فقهای بزرگ امامیه است قائل است که خون استحاضه اگر قلیل باشد وضوء را نقض می کند و همه ی علماء از این دیدگاه علامه پیروی کرده اند مگر ابن عقیل . (العلامة الحلبي، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۹۹) (علي بن محمد القمي، ص ۱۲).

بنابراین خارج شدن خون استحاضه از محل خود باعث باطل شدن وضو و غسل می شود. (توضیح

المسائل مراجع، مسأله ۴۰۷)

اقسام استحاضه

در دیدگاه بیشتر فقیهان، استحاضه به قلیله، متوسطه و کثیره تقسیم می‌شود (کم، متوسط، زیاد). برای تشخیص این سه حالت نظرات مختلفی وجود دارد. (توضیح المسائل مراجع، مسأله ۳۹۳)

استحاضه قلیله

در استحاضه قلیله برای هر نماز باید علاوه بر وضو گرفتن، پنبه عوض شده یا آب کشیده شود و اگر خون، خارج از دهانه رحم را نیز آلوده کرده آب کشیده شود. (توضیح المسائل مراجع، مسأله ۳۹۴)

استحاضه متوسطه

در استحاضه متوسطه، علاوه بر کارهایی که در استحاضه قلیله انجام می‌شود لازم است: یک غسل (غسل استحاضه) پیش از اولین نمازی که با خون استحاضه متوسطه می‌خواند انجام دهد و در روزهای بعد، پیش از نماز صبح یک غسل استحاضه انجام دهد. (توضیح المسائل مراجع، مسأله ۳۹۵)

خلاصه

بول و غائط را همه مذاهب اسلامی باطل کننده وضوء می‌دانند.

مذی و وذی را امامیه باطل کننده وضوء نمی‌دانند بقیه مذاهب آن را باطل کننده می‌دانند مگر مالک که برای انسانی که عادت دارد باطل کننده نمی‌دانند.

زوال عقل در صورت که با خواب باشد به شرطی باطل کننده است که غالب شود بر گوش و چشم و قلب. نه کلامی بشنود و ببیند. حنفیه قائل است اگر انسان خواب استاده باشد یا تکیه داده به یک پهلو باشد وضویش باطل می‌شود. اما اگر در حالت از حالات نماز باشد هرچه خواب طولانی شود موجب نقض وضوء نیست.

شافعیه اگر انسان خواب مقعدش به زمین محکم باشد باطل کننده نیست. و مالکیه تفصیل داده بین خواب سبک باطل کننده نیست و خواب سنگین باطل کننده است اگر خواب سنگین باشد مدت کمی و مخرج هم بسته باشد باطل نمی‌شود.

منی را شافعیه باطل کننده وضوء نمی‌دانند امامیه آن را باطل کننده وضوء و غسل می‌دانند اما

حنفیه و مالکیه و حنابله آن را ناقض وضوء می دانند.

امامیه لمس را به هیچ عنوان باطل کننده وضوء نمی دانند . اما شافعیه لمس زن اجنبیه را بدون حائل باطل کننده وضوء می داند. حتی لمس آلت خود انسان قبل یا دبر در حال از دیدگاه شافعیه و حنابله موجب نقض وضوء می باشد.

قی نمودن را امامیه و شافعیه و مالکیه باطل کننده وضوء نمی داند . اما حنابله به طور مطلق باطل کننده وضوء می داند اما حنفیه در صورت پر شدن دهن باطل کننده می داند.

خرج خون آبه و خون از بدن از غیر مسیر بول و غائط در نزد امامیه و شافعیه و مالکیه موجب نقض وضوء نیست. اما حنفیه: اگر از محل تجاوز کرد موجب نقض وضوء است . حنابله اگر زیاد باشد باطل کننده است.

قهقهه باطل کننده نماز است به اتفاق مسلمین. حنفیه آن را باطل کننده وضوء می داند در صورت که در اثناء نماز باشد و گرنه باطل نمی کند امامیه و سایر مذهب قائل به بطلان وضوء توسط قهقهه نیست.

خوردن گوشت بچه شتر را فقط حنابله ناقض وضوء می داند.

كتابنامه

أبي حنيفة النعمان الشيخ نظام وجماعة من علماء الهند ، الفتاوى الهندية في مذهب الإمام الأعظم
الناشر دار الفكر، ١٤١١هـق.

أبي الحسن علي بن أبي بكر بن عبد الجليل الرشداني المرغياني، الهداية شرح بداية المبتدي،
المكتبة الإسلامية.

القروي ، محمد العربي ، الخلاصة الفقهية على مذهب السادة المالكية ، دار الكتب العلمي
جزيري، عبد الرحمن - غروي، سيد محمد - ياسر مازح، الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب
أهل البيت عليهم السلام، دار الثقلين، بيروت - لبنان، اول، ١٤١٩ هـق.

حلي، محمد بن حسن،، إيضاح الفوائد، اسماعيلان، قم، ١٣٨٧.
شرف الدين موسى بن أحمد بن موسى أبو النجا الحجاوي، لإقناع في فقه الإمام أحمد بن حنبل،
المحقق: عبد اللطيف محمد موسى السبكي، دار المعرفة بيروت - لبنان.

شيباني أبو عبد الله، محمد بن الحسن بن فرقد، المبسوط، إدارة القرآن والعلوم الإسلامية.
علامه حلي، حسن بن يوسف، تذكرة الفقهاء، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، لإحياء
التراث، اول، ١٤١٤.

عبد الرحمن بن إبراهيم بن أحمد، أبو محمد بهاء الدين المقدسي، العدة شرح العمدة [وهو شرح
لكتاب عمدة الفقه، لموفق الدين بن قدامة المقدسي]، دار الكتب العلمية، الطبعة الثانية، ١٤٢٦هـق.
للامام ابي زكريا محي الدين بن شرف النووي، المجموع شرح المهذب، المتوفى، دار الفكر، بي تا،
بي جا.

ماوردي، العلامة أبو الحسن، الحاوي الكبير، دار الفكر - بيروت.
محقق حلي، نجم الدين ابوالقاسم جعفر بن محمد، المعتبر في شرح المختصر النافع، بي نا، بي تا.

محمد بن إدريس الشافعي أبو عبد الله، الأم، دار المعرفة، بيروت، ١٣٩٣
مغنيه، محمد جواد، الفقه على المذاهب الخمسة، بيروت، دارالتيار الجديد، دار الجواد، چاپ
دهم، ١٤٢١ق.

